

# نظری به ادبیات وقف

منظور از ادبیات وقف در اینجا شیوه و نیز تنظیم وقفنامه‌ها، یا به بیان دیگر اسلوب نگارشی آنهاست که به نوبه خود می‌تواند در چهره‌ای دیگر به جهان وسیع وقف و تنظیم سند و شروط آن باشد. اگر تا گذشته‌ای نه چندان دور از ادبیات وقف سخنی به میان می‌آمد شاید اسباب حیرت و سرگردانی می‌شد. مگر نه اینکه ادبیات و مفرد آن ادب مقوله‌ای عام برای هر نوشته‌ای از این سنخ است؟ اما امروز این واژه علاوه بر معنی مرسوم یک معنای جدید هم پیدا نموده و آن زبان و گفتار خاص برای هر رشته و علم از علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد. در یک کلام، گفتمان هر رشته را ادبیات آن رشته نام داده‌اند. بدیهی است که دایره وسیع گفتمان وقف نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به همین جهت ما عنوان ادبیات وقف را برای این نوشته انتخاب نمودیم، ضمن اینکه اصطلاح مذکور از وادی عمومی ادبیات جدا نبوده و نشر به کار رفته در وقفنامه را در بر می‌گیرد.

دکتر علی اکبرخان محمدی  
دانشگاه شهید بهشتی

بعد از این مقدمه کوتاه جا دارد به متون نگارشی وقفنامه‌ها بپردازیم که ما در اینجا برای رعایت اختصار دو نمونه مربوط به ابنیه و دو نمونه مربوط به کتاب را می‌آوریم، با این توضیح که ما فقط به وقفنامه‌های مرسوم و مکتوب سر و کار خواهیم داشت و از موارد استثنایی چون کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و امثال آنان فاصله می‌گیریم. دیگر اینکه نمونه‌های ارائه شده از متون قدیم و با نگارش سنتی (از صفویه و قاجاریه) انتخاب شده‌اند و لذا از اشکال تنظیم امروزی و ثبت در محاضر و تدارک اسناد پرهیز داشته‌ایم. علت انتخاب دوران‌های مذکور نیز به این جهت بوده است که هنوز بعضی رقبات آنان دایر و به حال خود باقی مانده‌اند.

گذشته از وقفنامه‌های مربوط به ابنیه، مسجد، مدرسه و نظایر آنان که بسیار رایج بوده و جهات عمومی نگارش وقفنامه‌ها را نشان می‌دهد ما به عمد دو نمونه از وقفنامه‌های مربوط به کتب را انتخاب و در اینجا آورده‌ایم تا این طیف موقوفات هم کمابیش شناسانده و سنت نیک وقف کتب عام‌المنفعه در جهان اسلام معرفی شود.

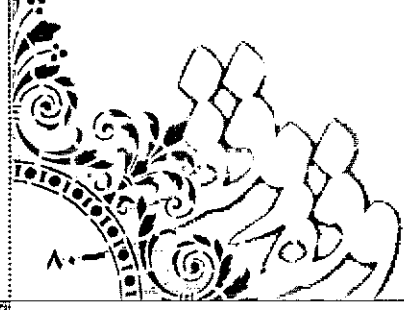
به جهت ورود به بحث ادبیات وقفنامه‌ها مناسب می‌نماید نخست فصول و بخش‌های یک وقفنامه معمولی را متمایز کنیم و در ادامه به مطالب مورد نظر بپردازیم. از نظر ما یک وقفنامه این چنینی از ده بخش متمایز تشکیل شده است که می‌تواند جدا جدا و در طی عناوین و فصول جداگانه باشد، و می‌تواند در هم و مستمر نوشته شده باشند، ولی به هر حال غالباً این ده بخش در آن قابل تشخیص است.

۱. دیباچه یا مقدمه وقفنامه که عموماً با تحمیدیه خداوند و پیامبر و ائمه اطهار شروع می‌شود.
۲. علت یا انگیزه وقف با توضیحات اضافی در این باب؛
۳. نام و نشان واقف یا واقفان؛
۴. موضوع و محدوده وقف یا موقوفات؛
۵. تاریخ شروع و احیانا اختتام وقف؛
۶. مسأله تولیت وقف؛
۷. مصارف وقف؛
۸. شروط خاص وقف؛
۹. نام و نشان با مهر و امضای شهود وقف؛

۱۰. و سرانجام مطالب فرعی مربوط به وقفنامه چون کاغذ، خط، تزیینات و ...

و اما نثر به کاررفته در این وقفنامه‌ها عموماً نثری منشیانه، آکنده از سجع و دیگر صنایع بدیعی و بلاغی، متضمن نوعی برائت استهلال که با مورد وقف تناسب کامل دارد است. مقدمه‌ها اصولاً مجالسی بود برای این نوع نثرپردازی، به ویژه که وقف از جانب تعالی برتر و در جهت نشان دادن اهمیت و اعتبار واقف بود. نمونه این نیز از مقدمه وقفنامه شاه سلطان حسین مینی بر وقف چند دهنه دکاکین در اواخر عهد صفویه و با نثر آکنده از عربی مرسوم آن زمان «هوالواقف علی نیات‌العباد، بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سیاس بی‌قیاس و ستایش تقدس‌اساس صناعی را که دکاکین قلوب مؤمنین را به امتعه رنگین معالم دین و اخباس ثمین معارف و یقین‌ترین فرمود. و نقود درود نامعدود و شایسته رسول خاتم و نبی اکرم، محمد مصطفی - صلی‌الله‌علیه‌وآله - که متاع گرانبهای رضای خالق توانا را به نقد حیات دنیا و ثمن زحمات این سرای بی‌بقا اشترا نمود. و جواهر زواهر تحیت و تسلیم سزاوار ائمه یگانه، اوصیای دوازده‌گانه اوست که به میامن حسن اهتمام به ترویج راست بازار شرع مبین پرداخته، در معامله هدایت و تجارت دلالت ارباب رحمت رحمن و منافع لطف خالق مستعان را به بهترین وجهی تحصیل نمودند. صلوات‌الله و سلامه‌علیهم اجمعین لک‌یوم‌الدین...»

همین وضع را دارد بقیه قسمت‌های وقفنامه، از جمله ذکر نیت واقف: «...به موجب فرمان قضا جریان ولی نعمت عالمیان، که جانم فدای باد، شهادت بر اوقاف مسطوره که به گهرپاشی ابر مطیرقلم خجسته رقم اقدس گهرریز گشته، جسارت نمود...» و نیز در شروط وقف: «...مشروط به



آنکه نبخشند و نفروشند و رهن نمایند، و در عرضه زوال و انتقال درنیاورند. و در هر مرتبه متولی مأذون و مرخص است که هریک از موقوفات مزبوره هرگاه مناسب داند اهل حرفه‌ای را به دیگری تبدیل نموده و از صنفی دیگر در آنجا سکنی دهد و معطل نگذارد و به نهج مسطور و صیغه وقف مذکور موافقت شریعت غزا و ملت بیضاء جریان یافت و قفاً صحیحاً شرعیة الازماً مخلداً مؤبداً...

وقفنامه دوم از دوران قاجاریه انتخاب و مربوط است به مسجد و مدرسه‌ای از موقوفات مهد علیا مادر ناصرالدین شاه. در اینجا نیز همان نثر منشیانه عصر قاجار و کمابیش مشابه عصر صفوی به کار رفته، با این تفاوت که سجع وقفنامه برعکس مورد پیشین بسیار ساده، در دو صفحه بر دو ورق کتابت و مقدمه را گذشته از تحمیدیه همان علت وقف قرار داده و آورده است.

«چون رأی مبارک نواب علیه‌عالیه دامت جلالتها و شوکتها بر آن محکم و ثابت شد که در ضمن خیرات کثیره که منظور داشتند مدرسه‌ای نیز که بر مسجدی مشتمل باشد بنا فرمایند که درو طلاب ساکن باشند و در این عباد معتکف. از جمله خیرات امیرالامراء العظام الکبار ذی‌المجد والشوکه والاقطار مرحوم مغفور مبرور قاسم خان، والد ماجد نواب علیه‌عالیه، اعلی‌الله قدره فی‌الجنان، مدرسه‌ای نیز که بر مسجدی مشتمل است باقیست و متصل به دریچه عمارت اندرانی سلطانی دارالخلافه، قرب به دروازه بیرون شهر مشهور به دروازه دولت، واقع است و چند دکه دکان نیز به جهت روشنایی مسجد و چراغ طلاب وقف فرموده بودند...»

در مورد تعیین متولی برای مدرسه و مسجد موقوفه با همان انشاء افزوده است: «... نواب فلک جناب علیه‌عالیه تولیت مدرسه مذکوره را شخصاً به نواب مستطاب اشرف ارفع والا علی‌قلی میرزا- ادام‌الله ظلّه- مرحمت فرمودند. و بعد از آن نواب مستطاب نوعاً در حق امیرزادگان از نسل آن نواب معلی‌القاب مقرر فرمودند، به این نهج که از ایشان به ولد اکبر از اولاد ذکور منتقل شود. و بعد از ولد اکبر، یا عدم صلاحیت از جهت عدم کفایت یا اهمال در اعمال و تدابیر متعلقه به مصالح و لوازم مدرسه مذکوره به نهجی که ذکر خواهد یافت به ولد اصغر از او بلاواسطه منتقل شود...»

یک نمونه هم از نثر به کار رفته توسط شهود: «بسم‌الله‌تعالی، حسب‌القرمایش سرکار نواب علیه‌عالیه مهد علیا دامت شوکتها صیغه وقف مدرسه و مسجد جدید البناء سرکار ایشان از قرار مسطور در این کتابچه قراراً و شرایط بالتمام به نحوی که تا به آخر ذکر شده است واقع و حادث شد. خداوند از ایشان قبول نمایند. فی ۱۵ شهر ربیع‌الاول ۱۲۷۲.»

اما وقفنامه مربوط به دو کتاب، یکی اصول کافی، فروع کافی و روضه کافی در یک جلد و دیگری لباب لغت قاموس فیروزآبادی، هریک با وقفنامه‌ای جدا نثری به مراتب فاخر و مزین‌تر از آنچه گذشت دارند. و این نیست مگر به این خاطر که واقف یکی از شاهزادگان فاضل و معروف قاجار، یعنی فرهاد میرزا معتمدالدوله، فرزند پانزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه، برادر صلیبی محمدشاه و عموی ناصرالدین شاه بوده است. نامبرده علاوه بر اینکه اهل تحقیق و نگارش بوده و آثار متعدد از او باقی مانده از رجال معتبر عهد ناصری و صاحب کتابخانه بزرگی بوده که متأسفانه بعد از فوتش به علت نداشتن وارث اهل فضل از میان رفته. متن وقفنامه‌های مورد بحث از یکی از نوشته‌های نامبرده مرسوم به زنبیل که کشکولی است حاوی مطالب مفید علمی و ادبی از زمان مؤلف استخراج و راقم این سطور گزیده‌ای از مطالب مناسب با زمان آن تدوین و درصدد انتشار دارد.

جهت دوم اهمیت وقفنامه‌های مزبور این است که به تصریح واقف متن وقفنامه‌ها با انشاء مرحوم محمودخان ملک‌الشعراء صبا نگارش یافته که از مشاهیر شعرا و اربابی عصر قاجار بوده و ناگفته نگذاریم که این هر دو، فرهاد میرزا و محمود خان، در نگارش و نثرنویسی از دست‌پروردگان سید اهل قلم در زمان قاجار میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بودند.

سخن از این دو بزرگوار را کوتاه می‌کنیم، که خود به اندازه کافی نزد اهل ادب و فرهنگ شناخته و شرح احوالشان در بسیاری منابع آمده، و می‌پردازیم به متن وقفنامه‌ها با تفصیلی که گذشت. وقفنامه اول مربوط به کتاب اصول کافی چنین آغاز می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم... اما بعد این بنده خاکرو ذره بی مقدار فرهاد بن ولیعهد در پیشگاه حضرت معصومین و آل طه و یسین علیهم من الصلوه اشرفها و انماها، و من التسلیمات اطیبها و اذکاکها هر وقت به رسم پیشکش و تقدیم خدمت عازم اهداء هدیه و قاصد اتحاف تحفه می شود مابین فصل و ترک متحیر و میانه اقدام و احجام متردد است که با قلت مقدرات و شناعت بضاعت در آن آستان های بلند و حضرات ارجمند این قصد را چگونه به امضا رسانده و از عهده این نیت چگونه نقضی جوید.

ولی این کتاب مستطاب ترسیمی به کافی است و تصنیف شیخ جلیل و فاضل نبیل، مطلع نجوم هدایت و مشرق انوار سعادت دلیل سبیل نجات و منبع چشمه حیات، امین به نقل روایت و حامل درایت محمد بن یعقوب کلینی است... از آنجا که مستند طریقه حقه امامیه و مستدل شیعه اثنی عشریه، به وثوق روایت مشهور و معروف، و به حسن ترتیب مذکور و موصوف، و صدور ذیل آن به احادیث اهل بیت و مناقب ذریه طیبه علیهم الصلوه والسلام - موشح و مطرز است، و کاتبی به خط دلپسند نگاشته و از برای ناظرین به یادگار گذاشته...»

مقدمه وقفنامه دوم، مربوط به کتاب قاموس نیز چیزی در همین حد و کماکان با نثر منشیانه درباری نظر به جلالت مقام واقف و جایگاه ادبی محرر نگارش یافته که اینک نمونه ای از آن: بسم الله الرحمن الرحيم... اما بعد در حضرت سلاطین کامکار و ملوک بزرگوار، خاصه سلطانی که صفوف جنود آسمانی را در کنف حمایت و کتاب عساکر روحانی را در ظل روایت او باشند عرض هدیه کردن و نام پیشکش به زبان آوردن موجب خجلت و شرمندگی و مایه ضجرت و سرافکنندگی است. ولی از آنجا که اولیای نعم و خداوندان کرم از رحمتی که دارند و از نظر عنایتی که بر حال بیچارگان می گمارند البته یک را به جای هزار به دست مرحمت می گیرند، و اندک را به جای بسیار از شیر تعطف و تلافی می پذیرند، این چاکر خاکسار و ذره بی مقدار فرهاد بن ولیعهد این یک جلد کتاب قاموس را که کاتبی به خط نیکو نوشته و از نظر ادیبان ارباب گذشته است...

نمونه دیگر از این نثر منشیانه یادآوری محرر وقفنامه است بر اینکه... بر حسب امر ممتثل مطاع نواب مستطاب کامیاب اشرف ارفع امجد السعد والا شاهزاده آزاده کامکار عالی تبار والامقدار... معتمدالدوله العلیه العالیه فرهاد میرزا... عم اکرم افخم سلطان السلاطین و خاقان الخواقین اعلی حضرت قوی شوکت، شاهنشاه عالمیان پناه ناصرالدین شاه تاجدار قاجار... فقیر ضعیف محمود شریف به تحریر این کلمات پرداخت. ۲۱ جمادی الاخری سنه ۱۳۰۲»

و یا در وقفنامه دوم در شروط واقف برای وقف کتاب قاموس آمده است... به شرطی که حسب الاستطاعه اوراق آن را از تغریق و اجزای آن را از تفریق موصول و مأمون داشته جزو کتابخانه مبارکه نمایند و از حوزه روضه طاهره و حوالی بقعه زاهره خارج نکنند... بر حسب امر نواب اشرف ارفع اسعد امجد ذی العز الشامخ و الشرف شاهزاده آزاده...»

در این فرصت مختصر مجال آن نبود تا خصوصیات نثر دوره صفوی یا قاجاری چنانکه باید مورد بررسی قرار گیرد. ضمن اینکه می توان به کتاب هایی چون سبک شناسی مرحوم ملک الشعراء بهار در سه جلد، همین طور کتاب فن نثر از استاد فقید اینجانب مرحوم دکتر حسین خطیبی و دیگر نوشته ها در این باب مراجعه کرد.

اسناد ارائه شده در این نوشته آنان که خطی هستند از مجموعه هایی خصوصی و غیر قابل معرفی هستند. دو وقفنامه اخیر چنانکه اشاره شد از کتاب زنبیل به قلم فرهاد میرزا معتمدالدوله. چاپ ۱۳۴۵ (افتتحت از نسخه اصل) در چاپخانه کلاله خاور به مدیریت حاجی محمد رضانی (صفحات ۳۱۸-۳۲۱)

با این حال امید نگارنده برای این است که همین مختصر توانسته باشد غرض نویسنده را منعکس و مفتاحی بوده باشند بر این جنبه از فرهنگ وقف و وقفنامه نویسی، با این امید که در آینده شاهد تحقیقات و تتبعات بیشتر در این مقوله باشیم.